



## بررسی نظام حقوقی حاکم بر تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای

صالح رضایی پیش‌رباط\*

گروه پژوهشی حقوق هسته‌ای، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی، صندوق پستی: ۸۳۶-۱۴۳۹۵، تهران - ایران

**چکیده:** با این که در سال‌های میانی قرن بیستم، جامعه و حقوق بین‌الملل آزادی تجارت میان ملت‌ها و دولت‌ها را به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته و مورد تأیید قرار داد و برای این منظور سازوکارهای اجرایی بین‌المللی را به وجود آورد، و همین‌طور اگر چه در همین قرن حق تمامی دولت‌ها بر کاربردهای صلح‌آمیز فن آوری هسته‌ای و تعهد بین‌المللی به توسعه‌ی جهانی کالاهای مرتبط با این فن آوری در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تأیید و تأکید قرار گرفت، با این وجود قید برخی استثناها و شرایط در ارتباط با صادرات و واردات کالاهای هسته‌ای در اسناد بین‌المللی ذریبط و برداشتهای غیرحقوقی و موسع دولت‌های عمدتاً پیشرفته‌ی هسته‌ای از این شرایط و استثناها، موجب شد در عمل تجارت بین‌المللی آزاد این کالاها با محدودیت‌های تبعیض‌آمیزی مواجه شده و قابلیت اعمال اصل تجارت بین‌المللی آزاد در زمینه‌ی کالاهای هسته‌ای دچار تردید و تزلزل شود. نوشته‌ی حاضر نظام حقوقی تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای و محدودیت‌های آن را در چارچوب قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی و همین‌طور نظام منع گسترش تسلیحات هسته‌ای مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

**کلیدواژه‌ها:** سازمان تجارت جهانی، معاهده‌ی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، کالاهای هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت

## A study into the legal system governing international trade of nuclear goods

S. Rezaei Pishrobat\*

Nuclear Law Research Department, Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOL, P.O.Box: 14395-836, Tehran – Iran

**Abstract:** Although in the mid- twentieth century, the international community and law accepted and approved freedom of trade among nations as a fundamental principle and to enact it implemented international mechanisms and although the right of all states to peaceful uses of nuclear technology and international community duty to global development of this technology were confirmed in various international instruments, imposing some limitations and exceptions to this principle in some international documents related to the export and import of nuclear materials and broad albeit apparently judicial interpretation of the advanced nuclear states of these conditions and exceptions, led the free flow of goods in international trade to face discriminatory restrictions in practice. This caused doubt and uncertainty regarding applicability of the principle of freedom of international trade in nuclear materials. The present article focuses on the study and evaluation of the legal system of international trade of nuclear materials and its constraints within the framework of the WTO, as well as the non-proliferation of nuclear weapons rule.

**Keywords:** World trade organization, The nuclear non-proliferation treaty, Nuclear goods, The International Atomic Energy Agency, General agreement on tariffs and trade



## ۱. مقدمه

تبعیض آمیز جریان پیدا کند. در سال ۱۹۶۸، تدوین‌کنندگان معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ضمن شناسایی حق غیرقابل اسقاط تمامی دولت‌ها بر استفاده‌ی بدون تبعیض از فن‌آوری‌های صلح آمیز هسته‌ای، تصدیق و مقرر نمودند که «تمامی طرف‌های معاهده متعهد می‌شوند مبادله‌ی تجهیزات، مواد و اطلاعات فنی مرتبط با کاربردهای صلح آمیز انرژی اتمی را تا حد اعلا‌ی امکان تسهیل نمایند. طرف‌های معاهده هم‌چنین متعهد می‌شوند که به نحو انفرادی یا با همکاری دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص توسعه‌ی بیش‌تر کاربردهای انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز، به ویژه در کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده، با توجه مقتضی به نیازهای منطقه‌های در حال توسعه‌ی جهان، همکاری نمایند [۵].»

اما چنین تأکید صریح بر مبادله و توسعه‌ی بین‌المللی مواد و تجهیزات هسته‌ای برای مصارف صلح آمیز، مانع از آن نشد که دولت‌های پیشرفته در عرصه‌ی فن‌آوری هسته‌ای در عمل محدودیت‌های تبعیض آمیز جدی در مسیر تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای ایجاد نمایند.

نوشته‌ی حاضر تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای و محدودیت‌های آن را از دیدگاه قواعد و مقررات گات و سازمان تجارت جهانی و همین‌طور نظام منع اشاعه و مبادلات بین‌المللی کالاهای هسته‌ای بررسی و ارزیابی نموده است.

## ۲. تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای در پرتو مقررات موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت

همان‌طور که گفته شد، تدوین‌کنندگان موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت، تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای<sup>(۱)</sup> را با منافع امنیتی ملی کشورها پیوند زده و با اعطای اختیارات نامحدود به دولت‌ها در برخورد امنیتی با صادرات و واردات این کالاها، موجبات برخورد‌های دوگانه و تبعیضات ناروا در تجارت بین‌المللی مواد و تجهیزات هسته‌ای برای اهداف و مصارف صلح آمیز را فراهم آورده‌اند. موافقت‌نامه‌ی مذکور، که در حوزه‌ی صادرات و واردات کالاها به طور کلی آزادی عمل اعضای خود را محدود و آن‌ها را به پرهیز از ایجاد مانع در این زمینه متعهد ساخته بود، اختیارات حاکمیتی محدود شده‌ی آن‌ها را در ارتباط با صادرات کالاهای هسته‌ای بازگردانده و به آن‌ها

امروزه تجارت بین‌المللی آزاد و بدون تبعیض میان کشورها از جمله‌ی شناخته شده‌ترین اصول حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید. شکل‌گیری این اصل به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و به زمانی بر می‌گردد که کشورهای جهان در سال ۱۹۴۷ در برتون وودز ایالات متحده‌ی آمریکا گردهم آمدند تا ساختارها و بنیادهای نظام اقتصادی و تجاری جهان پس از جنگ را پی‌ریزی نمایند [۱]. در این سال، ۱۵ دولت در قالب یک موافقت‌نامه (موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت، گات) توافق نمودند تا در روابط فی‌مابین از هر نوع محدودیت بر صادرات و واردات کالاهای تجاری یک‌دیگر امتناع و از هر گونه رفتار تبعیض آمیز در ارتباطات تجاری خودداری نمایند [۲]. بعدها کشورهای دیگر نیز به موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت، که پس از تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ به یکی از مهم‌ترین اسناد آن مبدل شد، ملحق شدند، به گونه‌ای که در حال حاضر متجاوز از ۱۵۰ دولت، عضو آن به شمار می‌آید [۳]. با این که هدف این موافقت‌نامه رفع و یا تقلیل موانع صادرات و واردات در تمامی زمینه‌ها بوده است، اما به دلیل پاره‌ای نگرانی‌های امنیتی، تدوین‌کنندگان موافقت‌نامه، تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای را با منافع امنیتی دولت‌ها پیوند زده و تجارت بین‌المللی این کالاها را به گونه‌ای تبعیض آمیز با محدودیت‌هایی مواجه ساختند - محدودیت‌ها و تبعیضاتی که با اهداف و اصول تجارت آزاد جهانی معارض بوده و با آرمان‌های حقوق تجارت بین‌الملل هم‌سو نبوده است.

در عرصه‌ی نظام حقوقی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای نیز وضعیتی مشابه نظام سازمان تجارت جهانی به وجود آمد. با این که قواعد و مقررات حقوقی نظام منع گسترش هسته‌ای لزوم توسعه و انتقال بدون تبعیض کاربردهای صلح آمیز علوم و فن‌آوری هسته‌ای در سراسر جهان را به عنوان یک اصل حقوقی مورد شناسایی قرار داد [۴]، پیش‌بینی نکردن سازوکارهای بین‌المللی مؤثر که بتواند چنین توسعه و انتقالی را تضمین نموده و از برخورد‌های غیرحقوقی و تبعیض آمیز دولت‌ها در عرضه و صادرات مواد و کالاهای هسته‌ای پیش‌گیری نماید، موجب شد تا در میان کشورها، به جای تجارت هسته‌ای آزاد و بدون تبعیض، تعاملات هسته‌ای توأم با برخورد‌های دوگانه و



اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای است [۶] و اگر دولت عضو تشخیص دهد که صدور یا وارد کردن آن ماده از یا به کشور منجر به اشاعه‌ی تسلیحات اتمی خواهد شد می‌تواند بدون رعایت مقررات موافقت‌نامه هر نوع اقدام مقتضی در آن زمینه به عمل آورد. هر چند که تحولات بعدی در زمینه‌ی کنترل مواد هسته‌ای، از جمله تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و انعقاد معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تا حدودی مقرون به واقعیت بودن این تفسیر را تأیید می‌کند، با این وجود، ارایه‌ی این تفسیر به آزادی عمل نامحدود دولت‌ها در امنیتی تلقی کردن مواد شکافت‌پذیر خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

تفسیر دوم این است که منظور از امنیت ملی مرتبط با مواد هسته‌ای، حصول اطمینان دولت‌ها از تأمین مواد هسته‌ای در کشور است. بدین مفهوم که دولت‌ها می‌توانند با لحاظ منابع مواد هسته‌ای خود، که کالای حیاتی و راهبردی محسوب می‌شود، در صادرات و عرضه‌ی این مواد محدودیت ایجاد کنند. در این ارتباط به ماده‌ی ۲ معاهده‌ی اوراتم (جامعه‌ی انرژی اتمی اروپا) اشاره شده است که اشعار می‌دارد: «جامعه‌ی اروپا باید ... اطمینان حاصل کند که تمام استفاده‌کنندگان در جامعه‌ی اروپا عرضه‌ی منظم و عادلانه‌ای از اورانیم طبیعی و سوخت هسته‌ای را دریافت می‌کنند [۷].»

نهایتاً تفسیر سوم این است که منظور از منافع ملی مرتبط با مواد شکافت‌پذیر دفاع و حراست صنعت هسته‌ای کشور در مقابل آسیب‌ها و خطرهای مختلف احتمالی است [۸]. براساس این تفسیر اگر امنیت صنایع هسته‌ای یک دولت ایجاب کند، آن می‌تواند به استناد استثنای امنیت ملی نسبت به مواد صادرات و واردات شکافت‌پذیر هر نوع اقدامی را که لازم تشخیص می‌دهد به عمل آورد.

آنچه در کل می‌توان گفت این است که اختیار عمل دولت‌ها در تشخیص منافع امنیتی مقرر در ماده‌ی مذکور نامحدود و ذهنی است که البته چنین اختیار عمل گسترده‌ای می‌تواند توالی فاسدی را در پی داشته باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی سال ۱۹۸۶ خود راجع به دعوی نیکاراگوئه علیه ایالات متحده‌ی آمریکا، این موضوع را تأکید کرده و به هنگام بررسی مقررهای امنیت ملی در معاهده‌ی موذت بین دو

اجازه داده است مبادلات هسته‌ای خود را، نه براساس هنجارهای لیبرالیسم بین‌المللی تجاری، بلکه مطابق با منافع امنیتی ملی خود تنظیم نمایند.

در این خصوص ماده‌ی ۲۱ موافقت‌نامه‌ی فوق‌الذکر در مقام بیان استثنای منافع امنیتی ملی اشعار داشته است: «هیچ یک از مقررات این موافقت‌نامه نباید طوری تفسیر شود که: الف) ...

ب) دولت‌های عضو را از انجام اقدامی که برای حراست از منافع امنیت ملی خود در ارتباط با مواد شکافت‌پذیر<sup>(۲)</sup> یا مواد مشتق از آن لازم می‌دانند، منع نماید.»

به طوری که پیدا است موافقت‌نامه‌ی مذکور، منافع امنیتی دولت‌های عضو را با صادرات و واردات مواد شکافت‌پذیر پیوند زده و به آن‌ها اجازه داده است بدون رعایت مقررات موافقت‌نامه، به هر اقدامی که منافع امنیت ملی‌شان در ارتباط با این مواد ایجاب می‌کند، مبادرت نمایند. در خصوص مقررات ماده‌ی یاد شده نکته‌های زیر قابل ملاحظه است:

۱. استثنای منافع امنیت ملی پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت، صرفاً واردات و صادرات بخشی از کالاهای هسته‌ای یا به عبارت دقیق‌تر مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای و مشتقات آن را شامل می‌شود و سایر مواد هسته‌ای و پرتوزا و همین‌طور تجهیزات هسته‌ای از قبیل رآکتورهای قدرت و تحقیقاتی و تأسیسات چرخه‌ی سوخت هسته‌ای را در بر نمی‌گیرد. از این رو به نظر می‌رسد غیر از مواد شکافت‌پذیر و مشتقات آن‌ها، سایر مواد و کالاهای هسته‌ای مشمول استثنای مذکور نبوده و دولت‌های عضو نمی‌توانند به استناد استثنای منافع امنیتی، در تجارت، واردات و صادرات آنها محدودیت‌های تبعیض‌آمیزی ایجاد نمایند.

۲. موافقت‌نامه، استثنای امنیت ملی مرتبط با مواد شکافت‌پذیر را توضیح نداده و مشخص نموده است که تحت چه اوضاع و احوالی تجارت بین‌المللی این مواد منافع امنیت ملی آن‌ها را متأثر می‌سازد. با وجود این، در این زمینه سه تفسیر متفاوت ارایه شده است: نخستین تفسیر این است که منظور از استثنای امنیت ملی مرتبط با مواد شکافت‌پذیر ایجاد محدودیت‌های تجاری وارداتی و صادراتی با هدف پیش‌گیری از تغییر مسیر دادن این مواد برای ساخت و



اختیارات ناشی از منافع امنیتی‌شان به موجب ماده‌ی ۲۱ ندارند و این واقعیت را باید یک محدودیت جدی در تجارت بین‌المللی کالاها هسته‌ای تلقی نمود که لازم است در بررسی نظام حقوقی تجارت بین‌المللی کالاها مورد توجه قرار گیرد.

### ۳. تجارت بین‌المللی کالاها هسته‌ای در چارچوب نظام منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

همانند بسیاری دیگر از فن‌آوری‌ها، فن‌آوری هسته‌ای نیز متضمن مصارف و منظورهای دوگانه است. این فن‌آوری در عین حال که دارای مزیت‌ها و کاربردهای مثبت بی‌شماری در زمینه‌های مختلف صنعتی، پزشکی، کشاورزی و تولید انرژی است، بالقوه قابلیت انحراف به اهداف نظامی و تسلیحاتی را نیز دارد. وجود چنین ماهیت کاربردی دوگانه لزوم محدودیت‌ها و نظارت‌ها بر تجارت بین‌المللی مواد و تجهیزات هسته‌ای را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ و معاهده‌ی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در سال ۱۹۶۸ با این هدف تأسیس و منعقد شدند که جریان تجارت بین‌المللی کالاها هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را به قبول نظارت‌های بین‌المللی از سوی دولت‌های واردکننده مشروط سازند تا ضمن رفع مانع‌های توسعه‌ی جهانی کاربردهای صلح‌آمیز فن‌آوری هسته‌ای، از انحراف این فن‌آوری به اهداف نظامی و ساخت تسلیحات هسته‌ای پیش‌گیری شود [۱۳].

به طور کلی، محدودیت‌های تجارت بین‌المللی کالاها هسته‌ای، یا ناشی از شرایطی است که در اسناد بین‌المللی مربوط به عرضه و صادرات این کالاها پیش‌بینی شده و یا مانع‌هایی است که به واسطه‌ی اقدامات فراتر از موازین پذیرفته شده‌ی دولت‌های پیشرفته در زمینه‌ی فن‌آوری هسته‌ای به وجود آمده است.

### ۱.۳ محدودیت‌های ناشی از شرایط عرضی کالاها هسته‌ای در معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، به عنوان سنگ بنای اصلی نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، عرضی بین‌المللی کالاها هسته‌ای را منوط به رعایت شرایطی نموده است. مقرر می‌شود که معاهده در این زمینه اشعار داشته است:

کشور (۱۹۵۵) اظهار داشت: «این مقرره‌ی گات (ماده‌ی ۲۱)، که استثنائاتی را نسبت به اجرای طبیعی موافقت‌نامه‌ی عمومی پیش‌بینی نموده است، اشعار می‌دارد که موافقت‌نامه طوری تفسیر نخواهد شد که طرف متعاقد را از اتخاذ هر اقدامی که برای حمایت از منافع امنیتی حیاتی‌اش در ارتباط با مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای، تسلیحات و غیره لازم تشخیص می‌دهد، منع نماید [۹]. معیار تشخیص منافع امنیتی در ماده‌ی ۲۱ موافقت‌نامه‌ی گات یک معیار ذهنی است و تشخیص منافع امنیتی به خود دولت‌ها واگذار شده است. اما معیار تشخیص منافع امنیتی در ماده‌ی ۲۱ معاهده‌ی مودت ۱۹۵۶ عینی است و لذا نمی‌تواند مانع رسیدگی دیوان به صحت و سقم آن شود [۱۰].»

همین‌طور رویه‌ی گات نیز بیش‌تر به رویکرد اختیارات نامحدود دولت‌ها در ارتباط با منافع امنیتی تمایل نشان داده است. در این زمینه در اوایل سال ۱۹۴۹ شورای گات در ضمن اسناد مذاکراتی خود اعلام کرد «در ارتباط با مسایل مربوط به امنیت، در وهله‌ی اول هر کشور باید قاضی خود باشد [۱۱].»

در سال ۱۹۶۱، دولت غنا نیز در توجیه تحریم کالاها پر تغال، به استثنای امنیت ملی در ماده‌ی ۲۱ موافقت‌نامه‌ی گات استناد نموده و اعلام کرد که به موجب این ماده «دولت متعاقد تنها قاضی در تشخیص منافع امنیتی خود است. لذا اعتراض به اقدامات آن دولت در تحریم کالاها پر تغال وارد نیست.» همین‌طور، در سال ۱۹۸۲ دولت ایالات متحده در حمایت از تحریم‌های اروپا علیه آرژانتین اظهار داشت «موافقت‌نامه‌ی عمومی [تجارت] تشخیص این‌که چه چیزی لازمی منافع ملی دولت‌ها است را به خود آن‌ها واگذار کرده است [۱۰].»

برخی از اعضای سازمان تجارت جهانی بر این نظرند که اختیار عمل دولت‌های عضو در تشخیص منافع امنیتی خودشان به موجب ماده ۲۱ محدود می‌باشد، آن‌ها نمی‌توانند به صلاحدید خود این منافع امنیتی را تشخیص داده و باید رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی آن را تشخیص دهد [۱۲]. با این حال از آنجایی که در این خصوص تاکنون اختلافی به رکن حل اختلاف سازمان ارجاع نشده، رویه‌ی قضایی هم در این خصوص شکل نگرفته است. بنابراین، در شرایط فعلی آن‌چه که بیش‌تر غلبه دارد این است که دولت‌ها تمایل چندانی به محدود شدن



چنین مواد و تجهیزهایی را به کشورهای تقاضاکننده ارسال نمایند. سوالی که در این ارتباط می‌تواند مطرح شود این است که تأثیر قبول پادمان‌های آژانس بر عرضه و صدور مواد و تجهیزهای اشاره شده چیست؟ آیا قبول پادمان‌ها موجب تعهد دولت عرضه‌کننده به عرضه‌ی این مواد و تجهیزها می‌شود؟ یا این که قبول پادمان‌ها و به عبارت دیگر تحقق شرط، صرفاً موجب رفع مانع صدور و عرضه‌ی مواد و تجهیزها می‌شود و نمی‌توان از آن الزام دولت‌ها به صدور و عرضه را استنباط نمود؟ برداشت اخیر واقع‌بینانه‌تر است و رویه‌ی دولت‌ها نیز آن را تأیید می‌کند.

۳. معاهده‌ی مذکور، موارد یا مصداق‌های عرضه را به مواد چشمه یا شکافت‌پذیر ویژه<sup>(۳)</sup> یا تجهیزها یا موادی محدود کرده است که به طور خاصی برای فرآوری، استفاده یا تولید مواد شکافت‌پذیر ویژه تعیین یا تدارک شده‌اند. از این جهت نیز بین نظام منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و نظام تجارت جهانی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. در نظام تجارت جهانی محدودیت‌های صادراتی و وارداتی صرفاً به مواد شکافت‌پذیر محدود شده و این در حالی است که نظام منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، سایر مواد و نیز تجهیزهای مرتبط با مواد شکافت‌پذیر و چشمه را نیز شامل شده است [۱۵]. این که مواد چشمه یا شکافت‌پذیر ویژه چیست تقریباً اتفاق نظر وجود دارد و مفاهیم آن‌ها در برخی از اسناد مهم بین‌المللی و از جمله اساسنامه‌ی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعریف شده است. اما تجهیزها و موادی که برای فرآوری و ... تدارک می‌شوند مفهوم کلی داشته و مصداق‌های آن در معاهده‌ی منع گسترش هسته‌ای یا معاهده‌های جهانی مشابه مشخص نشده است. با این وجود، تعدادی از دولت‌های عضو معاهده به نحو جمعی یا انفرادی به مشخص کردن مصداق‌های این مواد و تجهیزها اقدام نموده‌اند که البته اعتبار حقوقی اقدام آن‌ها محل تردید است که در مبحث‌های آتی به بررسی و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

۴. مصداق‌های مواد و تجهیزهای مشمول عرضه با مصداق‌های مواد مشمول پادمان متفاوت است. بدین مفهوم که صدور و عرضه‌ی مواد چشمه، شکافت‌پذیر و سایر مواد و تجهیزهای

«هر یک از دولت‌های عضو معاهده متعهد می‌شوند که الف) چشمه یا مواد شکافت‌پذیر، یا ب) تجهیزها یا موادی که به طور خاصی برای فرآوری، استفاده یا تولید مواد شکافت‌پذیر خاصی تعیین یا تدارک شده است را به هیچ یک از دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای برای استفاده در مقاصد صلح‌آمیز عرضه نکنند، مگر این که چشمه یا مواد شکافت‌پذیر ویژه تابع پادمان‌های (نظارت‌های) لازم شده [پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی] در این ماده قرار بگیرد [۱۴].»

در خصوص این مقررہ نکات زیر قابل ملاحظه است:

۱. عدم عرضه‌ی مواد و تجهیزهای هسته‌ای به کشورهای غیر دارنده‌ی سلاح هسته‌ای قبل از پذیرش پادمان‌های مقرر در معاهده، تکلیف و نه حق دولت‌ها بوده و آن‌ها در این زمینه از اختیار عمل برخوردار نیستند و این، از جمله‌ی تفاوت‌های محدودیت‌های تجارت کالاهای هسته‌ای ناشی از نظام عدم اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای با نظام تجارت جهانی محسوب می‌شود. به طوری که تاکنون نیز بیان شد، دولت‌های عضو موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت به استناد استثنای امنیت ملی محق و نه مکلف به ایجاد محدودیت‌های تجارتی در زمینه‌ی مواد شکافت‌پذیر شده‌اند. در حالی که براساس معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای عدم عرضه‌ی مواد و تجهیزها به کشورها، قبل از قبول پادمان‌های آژانس از سوی دولت‌ها جزو تکلیف این کشورها لحاظ شده است.

۲. مقررہ‌ی معاهده‌ی مذکور اشعار داشته است که دولت‌های عضو، متعهد به عدم عرضه و تأمین مواد و تجهیزها هستند، مگر این که مواد موردنظر تحت پادمان پیش‌بینی شده در معاهده واقع شود. براساس این مقررہ، دولت‌ها در صورتی می‌توانند مواد و تجهیزهای اشاره شده را به کشور فاقد سلاح هسته‌ای عرضه و ارسال نمایند که دولت دریافت‌کننده طی قراردادی دوجانبه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پادمان‌های این نهاد بین‌المللی بر چشمه و مواد شکافت‌پذیر ویژه را قبول نمایند. در صورت امضای چنین موافقت‌نامه‌ای و قبول پادمان‌های جامع آژانس، ظاهراً نباید شرط دیگری برای عرضه‌ی مواد و تجهیزهای مذکور وجود داشته باشد و دولت‌های عرضه و صادرکننده اصولاً باید



واردات حدود ۱۰۰ قلم از اقلام تجهیزهای هسته‌ای نموده است. تعهد دولت‌ها به اعلام واردات و صادرات این تجهیزات به آژانس، آزادی عمل و صلاحیت دولت‌ها در ارتباط با این تجهیزات را محدود نموده و جریان تجارت بین‌المللی آزاد کالاهای هسته‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعلام صادرات و واردات مواد و تجهیزهای هسته‌ای صلح‌آمیز از سوی کشورها با هدف جلوگیری از دستیابی آن‌ها به تسلیحات اتمی انجام می‌شود.

#### ۴. محدودیت تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای ناشی از اقدام‌های تشکلات عرضه‌کننده مواد و تجهیزهای هسته‌ای

به دنبال بایسته انجام (قطعی) شدن معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۷۰، تعدادی از کشورهای عمدتاً پیشرفته‌ی هسته‌ای در قالب گروه‌هایی تحت عنوان کمیته‌ی زانگر<sup>(۴)</sup> و گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای<sup>(۵)</sup> تشکیل شدند و شرایطی را برای عرضه و صدور مواد و کالاهای هسته‌ای مورد استفاده در اهداف صلح‌آمیز مقرر نمودند که در نتیجه‌ی آن محدودیت‌های جدیدی بر تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای تحمیل شد. این تشکلات، شکل‌گیری و اقدام‌های خود را در پرتو مقررات معاهده‌ی منع گسترش توجیه و هدف خود را کمک به جلوگیری از اشاعه‌ی تسلیحات هسته‌ای اعلام نمودند. در این زمینه، پایگاه اینترنتی گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای فلسفه‌ی وجودی شکل‌گیری گروه را این چنین اعلام داشته است: «گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای به گروهی از کشورهای عرضه‌کننده‌ی هسته‌ای اطلاق می‌شود که درصدد کمک به عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای از طریق اجرای دستورالعمل‌های صادرات هسته‌ای و مرتبط با هسته‌ای هستند [۱۹].»

پایگاه اینترنتی کمیته‌ی زانگر نیز هدف این گروه را جلوگیری از اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای از طریق تفسیر بند ۲ ماده‌ی ۳ معاهده‌ی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و ایجاد هماهنگی در سیاست‌های صادرات هسته‌ای اعضا اعلام نموده است [۲۰].

تشکلات عرضه‌کنندگان هسته‌ای با توسعه‌ی مصداق‌های مواد و تجهیزهای هسته‌ای مشمول کنترل‌های صادراتی و

اشاره شده، به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای صرفاً به قبول پادمان‌های آژانس بر مواد چشمه و شکافت‌پذیر منوط شده است و اعمال این پادمان‌ها در مورد تجهیزها و سایر مواد موضوعیت ندارد. به عبارت دیگر، مصداق‌های مشمول پادمان‌ها محدودتر از مصداق‌های مشمول عرضه و صادرات است.

۵. تعهد به قبول پادمان‌ها تنها شامل دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده نیست و دولت‌های غیر عضو نیز ملزم به قبول آن شده‌اند. اما دولت عرضه‌کننده لزوماً باید عضو معاهده باشد. اگر چه معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دولت‌های دارنده‌ی تسلیحات هسته‌ای را تعریف نموده است، اما در حال حاضر این تعریف با چالش‌هایی مواجه شده است. در حالی که هند، پاکستان، کره‌ی شمالی و اسرائیل دارای تسلیحات هسته‌ای هستند، از منظر معاهده آن‌ها دولت‌های فاقد تسلیحات اتمی قلمداد می‌شوند [۱۶].

#### ۲.۳ محدودیت‌های ناشی از اعلام صادرات و واردات مواد و تجهیزهای هسته‌ای

نظام منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دولت‌ها را ملزم به اعلام صادرات و واردات مواد و تجهیزهای هسته‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نموده است. چنین الزامی می‌تواند کم و بیش تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای را تحت تأثیر قرار داده و محدودیت‌هایی را بر آن تحمیل نماید. تعهد دولت‌ها به اعلام صادرات و واردات در ابتدا محدود به مواد هسته‌ای خاص می‌شد، اما به مرور زمان دامنه‌ی این اعلام به تجهیزهای هسته‌ای و حتی مواد و تجهیزهای غیرهسته‌ای مرتبط نیز گسترش پیدا کرد [۱۷].

موافقت‌نامه‌های جامع پادمان براساس ماده‌ی ۳ معاهده‌ی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، معروف به موافقت‌نامه‌های ۱۵۳ (۱۹۷۳) صرفاً در مورد مواد هسته‌ای، دولت‌ها را ملزم به اعلام صادرات و واردات به آژانس نموده است. این در حالی است که پروتکل الحاقی به موافقت‌نامه‌های مذکور (۱۹۹۷) این الزام را گسترش داده و علاوه بر تجهیزهای هسته‌ای، به تجهیزهای هسته‌ای غیرمرتبط نیز توسعه داده است [۱۸]. ضمیمه‌ی دوم پروتکل فوق‌الذکر، دولت‌های عضو را ملزم به اعلام صادرات و



همین‌طور تشدید شرایط صدور این مواد و تجهیزها به کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای، محدودیت‌های جدیدی در عرصه‌ی تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای به وجود آورده‌اند. محدودیت‌هایی که اعتبار حقوقی آن‌ها مورد سؤال و تردید است.

#### ۱.۴ افزایش مصداق‌های مواد و تجهیزهای مشمول کنترل‌های صادراتی

بند ۲ ماده‌ی ۳ معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای صدور مواد چشمه یا شکافت‌پذیر ویژه و همین‌طور صدور تجهیزها یا موادی که به طور خاصی برای فرآوری، کاربرد یا تولید مواد شکافت‌پذیر تعیین یا تدارک شده‌اند را منوط به قبول پادمان‌های آژانس از طریق دولت یا دولت‌های واردکننده نموده است. مفهوم مواد چشمه و شکافت‌پذیر ویژه مشخص و اساسنامه‌ی آژانس نیز تعریفی از آن‌ها ارائه داده است. اما مصداق‌های مواد و تجهیزها که به طور مشخص برای فرآوری و ... تعیین یا تدارک دیده شده‌اند تعیین نشده است. این که مصداق‌های این مواد و تجهیزها کدام‌اند مستلزم تفسیر مقررات بند مذکور براساس اصول تفسیر در حقوق معاهدات است. معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به نحو آگاهانه‌ای شرایط و مرجع تفسیر مقررات خود را مقرر نموده است و لذا چاره‌ای جز رجوع به قواعد کلی تفسیر در حقوق معاهدات باقی نمی‌ماند. در مواردی که معاهده روشی اعم از حقوقی یا غیرحقوقی برای تفسیر مقررات خود پیش‌بینی نمی‌کند، واقعی‌ترین تفسیر از نگاه حقوق بین‌الملل تفسیر جمعی است [۲۱]. بدین مفهوم که تمامی دولت‌های عضو معاهده باید در تفسیر مقررات معاهده مشارکت داده شوند. این نوع تفسیر، مناسب‌ترین و کامل‌ترین نوع تفسیر مقررات معاهدات است، زیرا کشورهایی که خود در انعقاد یک معاهده شرکت داشته‌اند بهتر از هر مرجع دیگری می‌توانند آن معاهده را مورد تفسیر قرار دهند. تفسیر تعدادی از اعضای معاهده، هر چند که برای طرفین آن‌ها می‌تواند الزام‌آور باشد، اما نمی‌تواند حقوق و تعهدات اعضای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. با وجود تأکید حقوق بین‌الملل بر اعتبار تفسیر جمعی، گروه‌های عرضه‌کننده‌ی هسته‌ای که صرفاً تعداد معدودی از اعضای معاهده را تشکیل می‌دهند، بند ۲ ماده‌ی ۳ معاهده‌ی منع

گسترش سلاح‌های هسته‌ای را مورد تفسیر قرار داده‌اند که در نتیجه‌ی این تفسیر، محدودیت‌ها و تعهداتی فراتر از معاهده برای دولت‌های دیگر به وجود آمده است. چنین تفسیری قطعاً مطابق با حقوق بین‌الملل نیست. در قضیه‌ی جاوارزینا، مورخ ۶ دسامبر ۱۹۲۴، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری بر بی‌اعتباری تفسیر تعدادی از اعضای معاهده از معاهده صحه گذاشته و اظهار داشت: «تفسیر یک یا چند دولت از مقررات معاهده‌ای که دولت‌های دیگری غیر از تفسیرکنندگان عضو آن به شمار می‌آیند نه تنها قابلیت استناد علیه دیگر متعاهدین را ندارد حتی ممکن است اگر با حسن نیت نباشد موجبات مسئولیت بین‌المللی عامل یا عاملان تفسیر را فراهم آورد [۲۲].»

تفسیر یک‌جانبه‌ی گروه عرضه‌کننده‌ی هسته‌ای و کمیته‌ی زانگر از مقررات معاهده در خصوص مواد و تجهیزهایی که به طور خاصی برای فرآوری، کاربرد و تولید مواد شکافت‌پذیر ویژه تعیین یا تدارک شده‌اند، موجب شده است که صدور مصداق‌های زیادی از مواد و تجهیزهای هسته‌ای منوط به شرط پذیرش پادمان شود. بخش دوم دستورالعمل‌های کمیته‌ی زانگر مصداق‌های مواد و تجهیزهای اشاره شده در بند ۲ ماده‌ی ۳ معاهده را این چنین بر شمرده است:

- رآکتورها و تجهیزهای آن؛
- مواد غیرهسته‌ای برای رآکتورها؛
- کارخانه‌های بازفرآوری سوخت پرتودیده و تجهیزهایی که به طور خاص برای آن تعیین یا تدارک شده است؛
- کارخانه‌های ساخت عناصر سوخت؛
- کارخانه‌های جداسازی ایزوتوپ‌ها از اورانیم و تجهیزهایی که برای آن تعیین و تدارک شده است. وسایل تجزیه و تحلیل از شمول این کارخانه‌ها خارج است؛
- کارخانه‌های تولید آب سنگین و ترکیب‌ها و تجهیزهایی که برای آن تعیین یا تدارک شده است؛
- کارخانه‌های تبدیل اورانیم و پلوتونیم برای استفاده در ساخت عناصر سوخت و جداسازی ایزوتوپ‌های اورانیم و تجهیزهایی که به طور خاصی برای آن تعیین و تدارک شده است [۲۳].

گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای یا کلپ لندن نیز حدود ۱۰۰ مورد [۲۴] از اقلام هسته‌ای را از مصداق‌های مواد و تجهیزهای



- کشورهای عرضه‌کننده در صورتی مواد و تجهیزات را به کشور فاقد سلاح هسته‌ای صادر می‌کنند که از کمک نکردن آن کشور به توسعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای اطمینان حاصل کنند [۲۴].

تردید نیست که شرط‌های فوق در معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پیش‌بینی نشده است و کشورهای هسته‌ای نمی‌توانند با تفاسیر و اقدام‌های یک‌جانبه‌ی خود شرط‌های اضافی برای عرضه و صدور مواد و تجهیزات هسته‌ای تعیین نمایند. تعیین شرط‌های اضافی برای عرضه و صدور مواد و تجهیزات هسته‌ای با تعهد دولت‌ها به تسهیل مبادلات دانش و فن‌آوری هسته‌ای، که بند ۲ ماده‌ی ۴ معاهده‌ی مذکور بر آن تصریح نموده است، سازگار نیست. هم‌چنین تعیین شرط‌ها و محدودیت‌های اضافی براساس ماده‌ی ۴ معاهده، مخل حقوق دولت‌ها بوده و امتناع از این اخلاقی قویاً مورد تأکید قرار گرفته است. در این زمینه بند ۳ ماده‌ی ۳ معاهده اشعار داشته است: «پادمان‌های لازم شناخته شده براساس این ماده باید به گونه‌ای اجرا شود که مفاد ماده‌ی ۴ معاهده رعایت و از ممانع‌تراشی در توسعه‌ی اقتصادی یا فنی اعضا یا همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، از جمله مبادله‌ی بین‌المللی مواد و تجهیزات هسته‌ای برای فرآوری، کاربرد یا تولید مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز مطابق با مقررات این ماده و پادمان پیش‌بینی شده در معاهده، امتناع شود.»

هدف بند مذکور، که بلافاصله بعد از بند ۲ ماده‌ی ۳ آمده است، پیش‌گیری سوء برداشتها و سوءاستفاده‌های احتمالی دولت‌ها از مقررات بند ۲ به منظور تحمیل محدودیت‌های بیش‌تر بر مبادله‌های بین‌المللی مواد و تجهیزات هسته‌ای است. بند ۳ ماده‌ی ۴ را باید لازمه‌ی اعمال بند ۲ ماده‌ی ۳ تلقی کرد که تخطی از آن تعادل ارکان معاهده را برهم خواهد زد.

تحمیل شرط‌های اضافی برای عرضه و صادرات مواد و تجهیزات هسته‌ای از سوی تشکلات مذکور، تخطی آشکار از مقررات بند ۳ ماده‌ی ۳ محسوب می‌شود که کفه‌ی عدم اشاعه‌ی هسته‌ای را به ضرر کفه‌ی حق دولت‌ها در برخورداری از فن‌آوری هسته‌ای صلح‌آمیز سنگین نموده و تعادل ارکان معاهده را متأثر نموده است.

اشاره شده در قسمت دوم بند ۲ ماده‌ی ۳ معاهده قلمداد نموده و صدور آن‌ها به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای را مشروط به شرایطی فراتر از شرایط مقرر در معاهده نموده است.

#### ۲.۴. تشدید شرایط عرضه‌ی مواد و تجهیزات

گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای، در پرتو تفسیر یک‌جانبه و خلاف حقوق بین‌الملل خود از مقررات بند ۲ ماده‌ی ۳ معاهده، شرایط عرضه‌ی مواد و تجهیزات هسته‌ای به کشورهای فاقد تسلیحات اتمی را تشدید و فراتر از مقررات معاهده عمل نموده‌اند. معاهده صرفاً یک شرط (پذیرش پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) را برای عرضه‌ی مواد چشمه و شکافت‌پذیر ویژه و سایر مواد و تجهیزات مقرر نموده است و این یک مورد جنبه‌ی حصری دارد.

با وجود چنین صراحتی، گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای شرایط اضافی برای عرضه‌ی مواد و تجهیزات مذکور مقرر نموده است که صراحتاً در تغایر با روح و مقررات معاهده‌اند. به طوری که تاکنون نیز اشاره شد، بند ۲ ماده‌ی ۳ معاهده، عرضه‌ی مواد چشمه و شکافت‌پذیر و سایر مواد و تجهیزات هسته‌ای را صرفاً منوط به آن دانسته است که مواد چشمه و شکافت‌پذیر ویژه مشمول پادمان‌های آژانس واقع شوند و پادمان سایر مواد و تجهیزات از شمول این بند خارج است. با وجود چنین تصریحی این گروه، شرط‌های دیگری برای عرضه‌ی مواد و تجهیزات هسته‌ای پیش‌بینی نموده است. دستورالعمل‌های این گروه به غیر از شرط‌های پذیرش پادمان، شرط‌های ذیل را برای عرضه تعیین نموده است:

- حفاظت فیزیکی، دولت واردکننده در موافقت‌نامه‌ی عرضه باید بپذیرد که حفاظت فیزیکی مؤثر را در مورد تمامی مواد و تأسیسات هسته‌ای اعمال نماید. دولت در اعمال چنین حفاظتی باید توصیه‌های بین‌المللی را رعایت نماید.

- صادرات تأسیسات، فن‌آوری و تجهیزات غنی‌سازی. در موارد انتقال تأسیسات یا فن‌آوری غنی‌سازی، دولت دریافت‌کننده باید قبول کند که بدون اجازه‌ی کشور عرضه‌کننده، تأسیسات انتقال یافته برای مقاصد تولید اورانیم بیش از ۲۰ درصد غنی شده تدارک یا به کار گرفته نشود.





## ۵. نتیجه‌گیری

با وجود تفاوت‌هایی که بین دو نظام تجارت جهانی و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در ایجاد محدودیت‌ها نسبت به تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای وجود دارد، هر دو نظام از این جهت که فاقد سازوکار حقوقی مؤثر برای تعیین حدود دقیق این محدودیت‌ها هستند، مشترک‌اند. فقدان چنین سازوکاری، موجب شده است که حدود این محدودیت‌ها به تشخیص و اراده‌ی شخصی دولت‌ها منوط شود. استثنای امنیت ملی، مقرر در نظام تجارت جهانی، اختیارات نامحدودی به دولت یا دولت‌ها در برخورد با صادرات و واردات کالاهای هسته‌ای اعطا نموده است. در معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز، با این که شرط‌های مشخصی برای عرضه و صادرات مواد و تجهیزات هسته‌ای مقرر شده است، لیکن در عمل تشخیص شرط‌های عرضه‌ی کالاهای هسته‌ای، به دولت یا گروهی از دولت‌ها واگذار شده است و این دولت‌ها در تشخیص خود بیش‌تر منافع و ملاحظات سیاسی و گروهی، و نه اهداف و اصول معاهده را مدنظر قرار داده‌اند. به هر حال، در شرایط فعلی، تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای به غلط یا درست تابع محدودیت‌های دو نظام فوق‌الذکر واقع شده است و این واقعیتی است که نمی‌توان آن را در تعاملات بین‌المللی هسته‌ای نادیده انگاشت. مقررات دو نظام فوق، به خوبی بیان‌گر این واقعیت است که کنترل ملی عرضه، صادرات و واردات و به بیان دیگر تجارت بین‌المللی کالاهای هسته‌ای برای دولت‌ها اهمیت حیاتی فوق‌العاده‌ای دارد و به نظر نمی‌آید که دولت‌ها به آسانی مایل به از دست دادن چنین کنترلی بشوند. اعمال چنین محدودیت‌ها و کنترل‌های تبعیض‌آمیز، برخی از دولت‌ها را بر آن داشته است که برای تأمین نیازهای خود به صورت مستقل و ملی پژوهش‌ها و صنعت هسته‌ای خود را توسعه دهند. اقدامی که از نظر برخی دولت‌ها می‌تواند تهدیدی برای نظام منع گسترش هسته‌ای محسوب شود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. به طور کلی کالا عبارت است از هر چیزی که دارای ارزش مالی بوده و بتوان برای کمک، استفاده یا مصرف به بازار عرضه کرد (ویکی‌پدیا، تعریف کالا). در این نوشته منظور از کالاهای هسته‌ای، مواد، تجهیزات و اقلامی است که دارای ارزش مالی بوده و برای مقاصد صلح‌آمیز داد و ستد می‌شود.
۲. Fissionable material: فرهنگ‌نامه‌ی تخصصی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مواد شکافت‌پذیر را این طور تعریف نموده است: «به طور کلی مواد شکافت‌پذیر به یک یا ترکیبی از ایزوتوپ‌ها اطلاق می‌شود که توان شکافت هسته‌ای را دارد. برخی از مواد شکافت‌پذیر توانایی شکافت را صرفاً از طریق نوترون‌های تند (به عنوان مثال نوترون‌های با انرژی ۱MeV) دارند. ایزوتوپ‌هایی که از طریق نوترون با تمامی انرژی‌ها، از جمله نوترون‌های کند، شکافته می‌شوند معمولاً به عنوان مواد شکافت‌پذیر یا ایزوتوپ‌های شکافت‌پذیر مورد اشاره قرار می‌گیرند. به عنوان مثال ایزوتوپ‌های اورانیم ۲۳۳، ۲۳۵ و پلوتونیم ۲۳۹ و ۲۴۱ مواد شکافت‌پذیر هستند. در حالی که اورانیم ۲۳۸ و پلوتونیم ۲۴۰، بارورند اما شکافت‌پذیر نیستند.
۳. Special fissionable material: در خصوص تعریف حقوقی این عبارت در یک سند بین‌المللی به ماده‌ی ۲۰ اساسنامه‌ی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رجوع شود.

4. Zangger committee

5. Nuclear suppliers group



- [1] General agreement on tariff and trade, Encyclopedia of Public International Law, Elsevier Science Publishers, 5 (the Netherlands) (1986) 51.
- [2] General agreement on tariff and trade, Arts, I, XI, XIII (1947).
- [3] Lutz, Struck, The safety regime concerning transboundary movement of radioactive waste and its compatibility with the trade regime of WTO, Nuclear Law Bulletin, OECD (2003) 41.
- [4] Nuclear non proliferation treaty, Art VI, Para I (1968).
- [5] Nuclear non proliferation treaty, Art IV, Para II (1968).
- [6] Lutz, Struck, The safety regime concerning transboundary movement of radioactive waste and its compatibility with the trade regime of WTO, Nuclear Law Bulletin, OECD, (2003) 41.
- [7] Lutz, Struck, The safety regime concerning transboundary movement of radioactive waste and its compatibility with the trade regime of WTO, Nuclear Law Bulletin, OECD, (2003) 42.
- [8] Lutz, Struck, The safety regime concerning transboundary movement of radioactive waste and its compatibility with the trade regime of WTO, Nuclear Law Bulletin, OECD, (2003) 43.
- [9] ICJ Reports, (1986) 222.
- [10] Peter, Lindsay, Ambiguity of GATT article XXI: subtle success or rampant failure, Duke Law Journal, 52 (2003) 1285.
- [11] Peter, Lindsay, Ambiguity of GATT article XXI: subtle success or rampant failure, Duke Law Journal, 52 (2003) 1286.
- [12] Lindsay Peter, The ambiguity of GATT article XXI: subtle success or rampant failure? Duke Law Journal, 52 (2003) 1312.
- [13] S. Rezaei Pishorbat, The Nuclear non proliferation treaty and right to peaceful uses of atomic energy master theses, University of Allameh Tabatabaeei (1375) 8-12.
- [14] The NPT, Art III, Para 2 (1968).
- [15] Tromans Stephen, Nuclear law, Oxford and Portland (2010) 266.
- [16] UNSC, Res, 1172; UNSC/Res (1778).
- [17] Ian, Anthony e tal, Reforming nuclear export controls, SIPRI Research Report, No. 22, Oxford University Press (2006) 23.
- [18] IAEA, The additional protocol, Art II, and Anex II (1997).
- [19] [www.nuclearsuppliersgroup.org](http://www.nuclearsuppliersgroup.org).
- [20] [www.zangercommitte.org](http://www.zangercommitte.org).
- [21] M.R. Ziyaie Bigdeli, International law of treaties, Gang Danesh Publishers (2006) 159.
- [22] M.R. Ziyaie Bigdeli, International law of treaties, Gang Danesh Publishers (2006) 59.
- [23] IAEA INFCIRC, 209, Rev. 2, Mod: 1 (2009).
- [24] IAEA INFCIRC/254, Rev. 7 (2006).